

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

﴿...وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ...﴾

ترجمه: (...آنان نهایت نیرنگ‌شان را به کار گرفتند...) چه باید کرد؟

(ترجمه)



جنبشی که از تونس آغاز و به مصر، لیبیا، یمن و به سرزمین شام رسید، خود گواه روشن وحدت عملی امت اسلامی می‌باشد. امت در برابر تمام اقدامات و سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌ای که دولت‌های مزدور به حمایت کفار استعمارگر غربی داشتند، ایستاد؛ سیاست‌هایی که دست و بال امت را در سیاه‌چاله‌های از ذلت و خواری بسته، مانع بیداری و بازگشت شکوه و عزت آن شده بود؛ سیاست‌هایی که امت را در گروگان غرب قرار داده و باعث غارت سرمایه‌ها، منابع و تولیدات آن می‌باشد.

امت با جمعیت‌های بزرگی در برابر دولت‌ها ایستادگی و راه‌پیمایی‌های بزرگی را راه‌اندازی نمود. در ابتدا گمان می‌رفت که خواسته‌ی امت تنها اعتراض به سیاست‌های ظالمانه‌ی دولت‌ها بوده و این تنها دلیل تجمعات مردمی می‌باشد تا اینکه دیری نگذشته برای همگان واضح گردید که امت در جستجوی هویت گم شده‌ی خود می‌باشد. واضح گردید که امت ذلت خواری را رها کرده و دیگر تسلیم سیاست‌های استعمار و مزدورانش نبوده و به دنبال هویت واقعی خود که عبارت از هویت اسلامی آن است، می‌باشد.

این حرکت‌ها و تجمعات مردمی و تفاعل آن با اوضاع، هر روز بیشتر از قبل می‌شد، هرچند که قربانی‌هایش افزایش می‌یافت، سقف خواسته‌هایش نیز بلندتر و بلندتر می‌رفت. بناءً کفار غربی از این وضعیت وحشت نموده و با جنایت‌کاران کینه توز، به توسل به عذاب‌های گوناگون مانند قتل، حبس و تبعید، در صدد جلوگیری از نایل شدن امت به هدفی که مشتاقانه در تلاش به دست آوردن آن بودند، بر آمد.

غرب سراسیمه به هر دری در آمد، کنفرانس‌های زیادی را برگزار نمود، توطئه‌ها و دسیه‌های گوناگونی را در دست گرفت، نقشه کشید، تله و دام گذاشت؛ نشست‌ها و سازمان‌های زیادی را تشکیل داد تا اینکه امت را از رسیدن به هدف مورد نظرش باز دارد؛ زیرا این حرکت‌ها نفوذ آن را در سرزمین‌های اسلامی به تهدید مواجه می‌نمود تا اینکه مه‌ار انقلابیون بهار عربی را با تمام حجم و خواسته‌هایی که داشتند، در دست گرفته، انقلاب را از هدف اساسی آن منحرف ساخت؛ هدفی که آن‌ها را بر خروج علیه ظالمین جنایتکار واداشته و ظالمینی که زهر قتل، ویرانی و عذاب‌های تلخ زندگی را بر آن‌ها چشاندند بود.

بلی، دلیل آنچه که برای غرب جنایت‌کار، این امکان را داد تا انقلاب‌های بهار عربی را از هدف اساسی آن‌ها منحرف سازد، نداشتن برنامه‌ی مبتنی بر کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم بود؛ برنامه‌ای که از هسته‌ی عقیده‌ی امت نشأت یافته و امت از طریق حاکم نمودن شریعت پروردگارش به وسیله‌ی آن برای نایل شدن به شکوه و عظمت شأن خود، همیشه قربانی داده؛ اما این انقلابیون چنین برنامه‌ی نداشته‌اند. یکی دیگر از دلایل انحراف انقلاب‌ها این بود که ضوابط مشخصی برای انقلاب تعیین نشده بود، مثلاً: انقلابیون بر اساس یک راهکار عملی مشخصی عمل نمی‌نمودند و بر مسیری که امت بطور متیقن در آن قدم بگذارد، هیچ راهنمایی نصب ننمودند تا اینکه امت را به رسیدن به هدفی که با ارزش‌ترین‌هایش برای رسیدن به آن قربانی کند، مطمئن نساخته بودند.

عدم تصویب ضوابط انقلاب و عدم وجود چنین برنامه‌ای بود که غرب جنایت‌کار توانست انقلاب را در تونس، لیبیا، مصر، و یمن در هم پیچیده و آن را به زانو در آورده، امت را به چنگال نظام‌های سرکوب‌گر و شکنجه‌های مهلک آن بر گرداند؛ نظام‌هایی که شریعت الله سبحانه و تعالی در آن‌ها زیر پای شده و در جنگ علیه دعوت‌گران به سوی تطبیق آن قرار دارد.

انقلاب مقدس شام از همان بدو آغازش به دلیل قوت شعارها و حجم بزرگ تظاهرات‌های بیرون از سیطره‌ی غرب، از هر انقلاب دیگری هدفش واضح‌تر بوده و در به تهدید مواجه کردن جاه‌طلبی‌های غرب و به صدا در آوردن خطر برای آن، جسورانه‌تر عمل نموده است. شعارهای این انقلاب این‌ها بودند: "یا الله ما لنا غیرک یا الله (یا الله جز تو کسی را نمی‌خواهیم)، لن نرکع إلا لله (در مقابل هیچ کس جزء الله سرتسلیم فرو نمی‌آوریم) و هی لله لا للسلطة ولا للجاه (خواست ما تنها رضایت الله سبحانه و تعالی است؛ نه قدرت و منصب.)" علاوه بر آن شعارهای بسیار دیگری را نیز سر می‌دادند که هدف‌شان را واضح‌تر می‌ساخت؛ مانند: "قائدنا للابد سیدنا محمد (رهبر ما تا ابد سرور ما محمد صلی الله

عليه وسلم است)، الشعب يريد خلافة إسلامية (مردم خلافت اسلامی می خواهند) و في بلدي قد نطق الحجر لا أريد سوى
عمر (در سرزمین من حتی سنگ‌هایش جزمانند عمر کس دیگری را نمی خواهد.)"

این نیرو به شعارهای را که سر می دادند و به تجمعات بزرگی که راه اندازی نموده بودند، جهان را در برخورد با خود در حیرت انداخته بود و ما بطور بسیار واضحی سردرگمی جهان را در این زمینه شاهد بودیم، تاجای که امریکا برای شکست دادن این انقلاب دولت‌های منطقه را به دو دسته تقسیم نمود. برخی از این دولت‌ها ادعای دوستی و همکاری می نمودند که خطرناک‌ترین نقشی را علیه انقلابیون بازی کردند، مانند: ترکیه، قطر و سعودی، برخی دیگر از دولت‌های منطقه مانند: ایران، حزب آن در لبنان و روسیه، وظیفه‌شان کشتار، ویران‌گری و حمایت از ظالم و جنایتکار شام بود. مخصوصاً بعد از اینکه انقلابیون توانستند قسمت بزرگی از سرزمین شام را آزاد ساخته و به دروازه‌های دمشق برسند، جایی که مزدور جنایتکار امریکا خود را در آن پنهان کرده بود، چیزی که مقامات ایرانی و روسی نیز درین اواخر به آن اعتراف نموده اند و آخرین آن اظهاراتی می باشد که چند وقت پیش لاوروف ارائه داشت: «تغییر نظام از بیرون به وسیله‌ی اتمام بر افراط‌گرایان کاملاً یک تلاش ناموفق بود، نزدیک بود که دولت سوریه از هم متلاشی شده و خلافت تروریستی درین سرزمین ظهور کند تا اینکه به درخواست دولت سوریه مبتنی بر همکاری‌ها و اقدامات دیپلوماسی در چارچوب نشست‌های آستانه، روسیه بگونه‌ی مؤثری این سناریوی مرگبار را جلوگیری نمود.»

پیش‌روی‌های انقلاب شام، امریکا را طوری سراسیمه نموده بود که در برگزاری کنفرانس‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای متقاعد کردن انقلابیون بر این که این اقدامات به نفع‌شان است، از هیچ عجله و سرعت عمل دریغ ننمود و این توطئه‌ها مواجهه به شکست بود که او باما رئیس‌جمهور امریکا را وادار نمود تا قبل از ترک کاخ سفید اظهار بدارد که: «تعداد زیادی از موهای سرش را نشست‌های مربوط به انقلاب شام سفید نموده است.» و هم‌چنین اظهارات مشابه جان کری وزیر خارجه‌اش، که می گفت: «در طول حیات دیپلوماسی‌اش دوسیه‌ای پیچیده‌تر از دوسیه‌ای سوریه ندیده است.» بلی، موارد مانند این نشانگر حجم و قوت انقلاب شام می باشد.

اما نقشه‌ی غرب برای مدیریت و انحراف انقلاب شام این بود که انقلاب را از حرکت مردمی بودن به جناح‌های سیاسی و گروه‌های نظامی متعددی تبدیل نماید تا اینکه مدیریت و انحراف آن، برایش آسان شود. بنابر این، غرب طناب‌اش را هموار و مزدورانش را جمع‌آوری نمود و رهبران گروه‌های را غرق پول‌های کثیف سیاسی نموده، در عوض تصامیم‌شان را در دست گرفت. آن‌ها را وادار به مذاکرات و آتش‌بس‌های ساختگی نمود تا اینکه نظام را از سقوط نجات داده و انقلابیون را تحت نام کاهش تنش‌ها به پذیرش دسیسه‌ها وادار و نقشه‌ی کثیف که به وسیله آن مناطق تحت کنترل انقلابیون را تسلیم نظام جنایت‌کار نمود. بدین وسیله نظام در حال مرگ را به امبولانس نجات رساند، اطراف پایتخت را امن کرده و خطر را از آن دور نمود و نیز انقلاب را در ساحات دور از مرگ گاه نظام در محاصره قرار داد.

حزب التحریر تنها رهبری که در مسیر درست قرار داشته و کسی که به آن اعتماد کند، هرگز ضرر نخواهد کرد. از همان ابتدای کاروزار انقلاب شام هم چنان انقلابیون و پس از آن گروه‌ها را از حیلہ‌گری غرب هشدار داده بود، نصیحت‌گر امینی برای امتی بود که به عزت‌اش حریص بوده و با تمام دل سوزی آن را نصیحت می‌نمود. تمام مصیبت‌هایی که بر سر انقلاب شام آمد، در مسیر کشف و بر ملا ساختن توطئه‌های غرب بر سر حزب التحریر نیز آمد، خویشتن را رهبری سیاسی پیش‌کش نمود که برنامه‌ی را از هسته‌ای عقیده‌ی امت اسلامی و برگرفته از کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم حمل می‌نمود؛ این برنامه را تقدیم دست اندرکاران انقلاب از فعالان سیاسی، نمایندگان، متنفذین و گروه‌ها، نمود؛ به این بسنده نکرد؛ بلکه همیشه به ضرورت ضوابط مشخصی تأکید می‌کرد که بر اساس آن انقلاب بتواند سیر خود را تکمیل نموده و به سرمنزل امن و امان و در مقام رضایت الله سبحانه و تعالی برسد؛ راه پیمایی‌ها و کمپاین‌های بزرگی را راه اندازی و امت را خطاب قرار داده نصیحت می‌نمود تا این ضوابط را به عنوان ستون‌های برای هدف خود بپذیرند.

حزب از انقلابیون می‌خواست که به جز سقوط نظام از ریشه و اساس، چیزی دیگری را نپذیرفته، مبارزات را به سمت دمشق، مرگ‌گاه نظام بکشانند، روابط خود را با این دولت‌های مزدور قطع نموده و از نفوذ آن‌ها جلوگیری و طناب‌های را که برای در هم پیچیدن انقلاب هموار نموده اند، قطع نمایند، مخصوصاً پول‌ها و کمک‌های کثیف سیاسی که تصامیم گروه‌ها را ربوده و آن‌ها را از سقوط نظام در پناهگاه‌اش بازداشته است. نقش عمده‌ی این پول‌های کثیف برای خوش‌سازی حامیان، کشاندن جنگ به سمت گردن دوستان انقلابی دیگر می‌باشد.

بلی، به نپذیرفتن غیر از اسلام به‌عنوان نظام سیاسی که بالای امت حکومت کند و به تأسیس خلافت بر منهج نبوت قربانی‌های ما ضایع نشده و قصاص مظلومین و مادران که فرزندان شان را از دست داده اند، گرفته می‌شود. کسانی که وسایل سرکوب‌گرانه و حیلہ‌گری‌های جهان، خانواده‌های شان را ویران نموده است، مردم شام جز بنای ضوابط و چرخیدن گرد برنامه‌ی را که حزب التحریر پیشکش می‌نماید، چاره‌ای دیگری ندارند؛ برنامه‌ای که هدفی را متحقق می‌سازد که امت گرانباترین‌هایش را برای رسیدن به آن قربانی نموده است.

نویسنده: استاد محمد الحمصی ابوذر

14 صفر 1440 ه.ق

24 اکتوبر 2018 م